

سناریو یا داستان فیلم

دکتر بلوهر

بررسی بعدی این نتیجه را بدست خواهد داد که این قبیل فیلم‌ها غیر از هیاهوی بسیار برای هیچ چیز، دیگری نبوده و تنها هنر نمائی فیلمبردار و حقه های کارگردانش توانسته است که تا حدودی تماشاچی را بتماشای محکوم نماید.

صنعت سینما در سالهای اخیر در کشور ما نیز توجه کلیه طبقات مردم و بخصوص جوانها را بخود جلب کرده و از برکت این علاقه و تمایل خاص مردم و بازار بسیار گرمی که بوجود آمده است در همین تهران بیش از چهل مرکز بنام استودیوی فیلمبرداری در تهیه و تولید فیلم سینما فعالیت میکنند، البته تعداد کسانی که در تهیه و پخش و کارگردانی فیلم دست دارند و تقریباً بی نام و نشان و بی محل هستند شاید خیلی بیشتر از اینها باشد و بعلاوه من نمیخواهم کسانی را هم بشمار آورم که تا دیروز مثلاً کارگاه تریکو باقی داشته اند و یا تجارت میکرده اند و امروز بعزت کسادی بازار حرفه خود و گرمی بازار فیلم و سینما نقش تهیه کنندگان و حتی کارگردان فیلم را بازی میکنند. بگذریم از چگونگی اوضاع و احوال این استودیوها و یا اشخاص و توانائی و صلاحیت آنان و نقائص و احتیاجاتشان که خود بحث جداگانه ای را لازم دارد. در اینجا میخواهد فیلم و سینما را بطور اعم و فیلم های فارسی را بطور اخص از نظر اولین و اساسی ترین اصل و پایه تهیه يك فیلم داستانی که همان سناریو است مورد مطالعه و بررسی قرار دهد باشد که انگیزه ای گردد بر جلب توجه صاحب نظران و جوانان، بادیات

يك اثر سینمایی قبل از هر چیز يك سناریو است و در حقیقت سناریو میزان پائیک فیلم سینمایی و اساس و پایه اصلی فیلم را تشکیل میدهد. بعبارت دیگر داستان يك فیلم با کلیه زوایا و ریزه کاریهایش قبل از اینکه بصورت فیلم درآید بشکل کلمات و قواعد معینی در روی کاغذ نوشته و تنظیم میگردد که حین فیلم برداری مسیر اجرائی و حرکت کارگردان و فیلم بردار را نیز تا حدود زیادی تعیین و مشخص مینماید.

ممکن است ما فیلم های خیلی بد و بی ارزشی را دیده باشیم و یا به بینیم ولی هیچگاه فیلمی بدون سناریو نخواهیم دید، حتی در فیلم های مستند نیز فیلم بردار باید قبلاً قسمتهائی از حوادث واقعی را که میخواهد فیلمبرداری کند در ذهن خود انتخاب و طرق برداشت بهترین و زیباترین فرم را بررسی و پیش بینی نماید. يك سناریوی خوب و قوی هرچقدر هم بد فیلمبرداری شود باز هم میتواند کم و بیش ارزش واقعی خود را از لابلای انبوه ناشیگریها و عدم آگاهی يك کارگردان و فیلم بردار ضعیف نشان بدهد ولی زبردست ترین کارگردانها و فیلم بردارها نیز نمیتوانند از يك داستان ضعیف و بی سروتهی که هیچگونه میزان پائ ضعیف و قابل پذیرش قبلی نداشته باشد فیلمی جالب و با ارزش ارائه دهند. البته ممکن است برخی از کارگردانها و فیلم برداران تجاری گاهی از يك داستان پیش پا افتاده و بی ارزش يك فیلم جنجالی و چشم گیر بسازند ولی دقت و

سینمایی که خود در بهرفت و اصلاح صنعت سینما در ایران نقطه حرکتی خواهد بود.

اغلب اتفاق میافتد که در حین تماشای يك فیلم متوجه میشوید که داستان آن بنظر تان آشناست و یا احیاناً بنظر میرسد قبلاً نیز آنرا دیده‌اید و در حقیقت هم اگر خوب دقت نمائید خواهید دید که سناریو یا داستان آن فیلم را از يك فیلم دیگری که پیش از آن نمایش داده بودند اقتباس کرده‌اند که نمونه‌های بارز این موارد را بکرات میتوان در فیلم‌های فارسی مشاهده نمود. سرزمین ما با وجود اینکه گنجینه‌ها و منابع عظیمی از تاریخ ادبیات و ماجراهای جالب داستانهای اجتماعی و تاریخی دارد، باز هم علی‌رغم وجود نویسندگان پر ارج و شعرای چیره‌دست معاصر متأسفانه از نظر ادبیات سینمایی و سناریو و داستان نویسی برای فیلم بسیار فقیر است و توان گفت که به‌مراه پیشرفت صنعت سینما در ایران هنوز از طرف مؤسسات و سازمانها و یا از طرف نویسندگان توجهی وافی باین امر نشده است. نتیجه این عدم تمایل این است که اغلب فیلم‌های فارسی کپی و برگردان دست و پا شکسته فیلم‌های هندی و عربی است که ظاهراً بیشتر مناسب محیط و شرایط اجتماعی وطن ما بنظر میرسند.

سازندگان و تهیه‌کنندگان فیلم‌های فارسی یا اصلاً سناریوئی اصیل و دست اول در اختیار ندارند و یا اینکه حاضر نیستند مبلغ قابل ملاحظه‌ای را بابت آن که چندان هم اهمیتی برایش قایل نیستند بنویسند داستان یا سناریست پردازند لذا در بسیاری موارد خودشان رأساً بامختصر سوادى که دارند داستان يك فیلم هندی یا عربی یا ترکی را در قالب واسامی دیگر گونه و تقریباً خودی جهت فیلم برداری مجدد تغییر میدهند و با حذف کردن و افزودن برخی از مظاهر عادی به سر و ته آن که اتفاقاً هم مردم وطن ما بدانها

علاقه‌ای نشان میدهند نوار متحرکی را بنام فیلم داستانی بخلق الله قالب میکنند و این واقعا مسخره است که تاریخ ادبیات ما شهره آفاق باشد و در هر گوشه‌ای از وطن ما داستان‌های بسیار و ماجراهای بکر و اصیلی بچشم بخورد و آنوقت تهیه‌کنندگان فیلم فارسی در بدر دنبال داستان و سناریو بگردند و احیاناً دست‌بعملی بزنند که در قاموس ادب و هنر غیر از نام دزدی و تقلب نام دیگری نمیتواند داشته باشد. باید اذعان نمود که صنعت سینما در کشور ما بسیار جوان است و ادبیات خاص آن که سناریو نویسی و داستان پردازی جهت فیلم را بخش مهمتر آن باید تلقی کرد هنوز شکلی بخود نگرفته و از آنجائیکه در میان نسل جوان وطن ما علاقه عمیقی نسبت بفیلم و سینما ابراز میشود و امکان دارد عده‌ای با داشتن قدرت و ذوق نویسندگی و داستان پردازی بخواهند بسینما رو آورند و بنوشتن داستان فیلم و یا سناریو اقدام نمایند لذا بنظر میرسد که شاید مطالعه این یادداشتها نکته هائیرا در این راه بنمایاند و گوشه‌هائیرا روشن سازد.

سناریو یا داستان فیلم قصه و حکایتی است که در قالب تکنیک‌های سینما و فیلم برداری نوشته میشود و باید گفت بنا بخصویات و قواعد خاصی که دارد هنر مستقلى بشمار می‌آید.

همانطوریکه در سایر امور و فعالیت‌های اجتماعی بدون برنامه و نقشه قبلی و رعایت قوانین و انتظامات مربوطه نمیتوان نتیجه‌ای مناسب بدست داد در مورد فیلم و سینما نیز بهیچوجه نمیتوان از سناریو صرف‌نظر نمود.

از هر نوع داستان و حکایتی میتوان سناریوئی بوجود آورد و بعلاوه ماجراها و حوادث روزمره زندگی فردی و اجتماعی و دید و احساس و اشکال و مناظر محیط برای نوشتن و تنظیم يك سناریوی فیلم منابع عظیمی

بشمار میروند. همانطوریکه گفته شد سناریو پلان و نقشه قبلی داستان اجرایی يك فیلم میباشد که با تمام خصوصیات حقیقی و واقعی اش در روی کاغذ منعکس میگردد.

سناریو را کسی مینویسد که علاوه بر توانائی تخیل و استعداد نویسندگی، سینما را خوب میشناسد و تا حدود کافی بکیفیات تکنیکی آن نیز آشنائی دارد و بهمین دلیل است که برخی از کارگردانان باذوق و توانا که استعداد نویسندگی دارند سناریو هم مینویسند. سناریست نویسنده ای است که با اطلاع و آگاهی در مورد سینما و تکنیک های سینما تو گرافیک فرم و آکسیونهای هر موضوع و داستانی را از نظر سینمایی و فیلم مینگرد. شاید تصور شود که نوشتن سناریو کار ساده ای است و هر داستان پردازی بدون آشنائی با تکنیک های فیلم و سینما میتواند سناریوئی را برای فیلم برداری قلم بزند ولی باید گفت که سناریو تنها يك داستان نیست بلکه مجموعه تئوریکسی اقدام بزرگی است که بعداً بصورت يك فیلم در خواهد آمد و مسلم است که دست یازیدن نا آگاهانه بدان همان اندازه بی پایه و بی مایه خواهد بود که کسانی بی استعداد و بی اطلاع بکارگردانی و تهیه فیلم سینمایی اقدام نمایند. سینما در اصل باهم پیوستن هنر و تکنیک های مختلف، تجسمی است قابل دیدن و شنیدن از مجموعه تخیلات و احساسات انسان که قبلاً بدست سناریست ترسیم و تصویر و ابداع میگردد. حال برای آنکه چگونگی سناریو و طرز نوشتن آن بهتر درك گردد نکاتی را در زیر بررسی مینمائیم:

شکل سناریو = شکل سناریو یا
میزان پاژ داستان يك فیلم، بدینگونه است که کلیه مطالب مربوط بمیزان سن داستان یعنی حرکات، مکانها، دکوراسیون و لباسها و

آکسیونها و حوادث و بطور کلی هر چیزی که قابل دیدن است در يك طرف صفحه کاغذ و در طرف دیگر آن دیالوگها (گفتگوها) افکتها (سروصداها) از يك متن و موزیک داستان و بطور کلی هر چیزی که قابل شنیدن است. باتمام جزئیات و مشخصاتشان قید میگردد.

حوادث داستان بسکانسها و یاصحنه های تقسیم میشوند که هر سکانس باشماره مشخص شده است.

زمان و مکان و محل حوادث يك سکانس نیز باید در بالا و وسط صفحه نوشته شده باشد. اگر بین دو سکانس گذشت زمانی وجود دارد در زیر و وسط هر سکانس قید میگردد.

تصویر صحیح و دقیق میزان سن در يك سناریو عین فیلمبرداری در تعیین مسیر حرکت کارگردان و فیلمبردار بسیار مفید خواهد بود. **میزان سن =** بطور ساده استقرار انسانها و اشیاء با بهترین و زیباترین فرم در مکان معینی را میزان سن مینامند و آنرا میتوان صحنه آرائی نیز نام نهاد.

در حقیقت انسانها و اشیاء وسایل و ابزاری هستند که بوسیله آنها میتوان حادثه و ماجرائی را بطور عینی در معرض دید تماشاچی قرارداد. درك و احساس همه سناریستها و کارگردانها یکی نیست و لذا میزان سن های انتخابی و پیشنهادی نیز از نظر افراد متفاوت خواهند بود. از نظر سناریو توضیح میزان سن عبارت خواهد بود از تفهیم و ترسیم حرکتها و اشکال و روابط آنها بوسیله نوشتن در روی صفحه کاغذ، بگذریم از ذوق و سلیقه های مختلف و توانائی ودانش و احساس اشخاص، از نظر شکل کلی چندین فرم میزان سن را میتوان نام برد:

میزان سن دسته جمعی، فردی، جمع کننده، سواکننده: متضاد و کنتراست و غیره...
دیالوگ = منظوری از دیالوگ گفتگوها

و حرف زدن پر سنارها و قهرمانهای داستان میباشد.
دیالوگ های طولانی و ثقیل و پیچیده
بهیچوجه مناسب سینما نیستند. در يك فیلم
سینمایی سخن باید در قالب های زیبا و کوتاه
و صریح گنجانیده شود.

افکتها = صداهائی است خارج از
دیالوگ و مربوط بطبیعت و حیوانات و
انسان میباشد که درحین برگزاری يك صحنه
و حدوث يك واقعه شنیده میشود. مانند صدای
در، پرندگان و صدای پا و اتوبوس و باد و غیره.
که درحین نوشتن سناریو باید وجود هر کدام
از آنها را در مورد هر سکانس جداگانه قید نمود.

موزیک متن = برای تشدید هیجان
و اضطراب و درك بهتر زیباییها و ازدیاد
تأثیرات روانی دید و احساس در يك سکانس و
احیاناً گاهی جهت پوشش برخی نقائص فیلم
آهنگهائیرا در وراء دیالوگها و افکت های
اصلی میسازند.
تم اصلی موزیک متن هر فیلم کاملاً جدا و
مستقل است.

از موزیک متن بیشتر در صحنه هائی که
فاقد آکسیون و حرکت میباشد استفاده میگردد
ولی امروزه معمولاً با این قبیل صحنهها از موزیک متن
صرف نظر میشود و اگر چنانچه این قبیل صحنهها
نیز دارای موزیک متن باشند بسیار آهسته بگوش
خواهند رسید.

موزیک داستان و موضوع =
آواز خواندن يك هنرپیشه و یا ترنم آهنگی
وسیله يك آلت موسیقی را در ضمن داستان ،
موزیک موضوع مینامند که مسلماً باید با تم
اصلی داستان توافق و تناسب داشته باشد.

سکانس یا صحنه = هر موضوع و یا
داستانی را با حفظ کلیه جزئیات نمیتوان
به سناریو تبدیل کرد. مثلاً گریک رمان مفصلی
را بخواهیم تبدیل به سناریو کنیم و از آن فیلم
بسازیم نمایش این فیلم ساعتها و بلکه روزها

طول خواهد کشید و همین است که اهمیت
بزرگ سناریو بچشم میخورد. همانطور که يك
نمایشنامه تأثر را بصحنه های مختلف تقسیم
میکنند در مورد سناریو نیز عمل میشود. لذا
برای آنکه در موقع فیلمبرداری حوادث
داستان ریتم و انتظام خاص خود را از دست
ندهد اجباراً باید هر داستان را بچندین سکانس
و یا صحنه تقسیم بندی کرد و شماره گزاری
نمود. هر سکانس يك سناریو خود تقریباً يك
موضوع و یا داستان كوچك محسوب میگردد
و در حقیقت از مجموع این موضوع های كوچكتر
و یا سکانس هاست که موضوع اصلی و واحد
يك سناریو بدست میآید.

مکان = بطور ساده محل و جای وقوع
حوادث و اتفاقات يك سکانس را مکان مینامند.
وقایع يك داستان ممکن است در مکانهای
مختلف اتفاق بیفتند ولی بطور کلی مکان را
بدو قسمت داخلی و خارجی تقسیم مینمایند.
داخلی مکانیست که سرپوشیده و محصور
باشد و مکان خارجی نیز بفضای آزاد مانند
جاده و باغ و طبیعت و غیره اطلاق میگردد.

همانطوریکه قبلاً نیز گفته شد سناریست
باید در بالا و وسط صفحه ، داخلی و یا خارجی
بودن يك سکانس را قید کند و در صورت لزوم
توضیحاتی نیز بدهد.

زمان = در این قسمت ، زمان وقوع
حادثه و روز و شب و ساعتها و دقائق ذکر
میگردد. بطور کلی باید قید کرد که زمان
اتفاق حوادث داستان در کدام يك از ساعات
شبانه روز بوده است. همینطور اگر تداوم
زمانی بین دو سکانس از بین برود باید تغییرات
زمان و وقت را بطور دقیق تذکر داد.

در شماره آینده با شرح تکنیکها و طرق
نوشتن سناریو و ذکر نمونه ها و توضیح
مکانیکه هر سناریست هنرمند باید از فیلم و
سینما بداند ببحث خود ادامه خواهیم داد.